Journal of Rangeland

Print ISSN: 2008-0891

Online ISSN: 2676-5039

Analyzing obstacles of rural rangeland users' participation in rangeland management projects; A Case Study using Grounded Theory Approach in the Zanjan Province

Seyed Hassan Hosseini[1], Seyed Akbar Javadi[*2], Esmaeil Karami Dehkordi[3], Hossein Arzani[4]

[1.] PhD student in Rangeland Science, Department of Forestry, Rangeland and Watershed Management, Faculty of Natural Resources and Environment, Islamic Azad University, Research Sciences Branch, Tehran, Iran.

[2.] Corresponding Author; Associate Prof., Department of Forestry, Rangeland and Watershed Management, Faculty of Natural Resources and Environment, Islamic Azad University, Research Sciences Branch, Tehran, Iran. E-mail: a.javadi@srbiau.ac.ir

[3.] Associate Prof., Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Tarbiat Modares University, Tehran, IRAN.

[4.] Prof., Department of Arid and Mountains Regions Reclamation, Faculty of Natural Resources, University of Tehran, Karaj, Iran.

Article Info

Article type:
Research Full Paper

2026; Vol 20, Issue 3

Article history:
Received: 04.05.2021
Revised: 21.04.2026
Accepted: 24.06.2026

Keywords:
Rangeland management plan, participation, Qualitative research, Barriers to participation, Grounded Theory, Zanjan.

Abstract

Background and Objective: The success of rangeland management projects, as one of the most important natural resource management programs in Iran depends on rural rangeland beneficiaries' participation. The purpose of this study was to analyze the barriers of rural beneficiaries' participation in rangeland management projects in the Zanjan Province.

Methodology: The study was conducted through a qualitative approach, based on the case study methodology and Grounded Theory Approach using semi-structured interviews with experts and rural beneficiaries of rangeland management projects. First, a sample consisting of 15 experts from the Administration of Natural Resources and Watershed Management of Zanjan Province (at the provincial and eight county levels) was selected through the snowball sampling technique. Then, the rangeland management projects implemented by over 20 households in the province were classified into three groups: successful, relatively successful and unsuccessful in different cities, and from each group, a rangeland management project was randomly selected. In the next step, using purposive snowball sampling method, 15 rural beneficiaries of these three selected projects were interviewed (five key key informant beneficiaries from each rangeland project).

Results: During the coding process, 74 initial categories, 18 main categories and 6 core categories (Axial phenomenon, causal conditions, contextual conditions, intervening conditions, strategies and consequences) were identified. Analyzing the barrier of beneficiaries' participation in rangeland management projects showed that causal conditions (Weakness of socio-cultural and human capital of the village, and incompatibility of the project with the culture and economy of the rural community) while being influenced by interventionist conditions (Approaches, structures and functions of natural resource departments), have a direct impact on the Axial phenomenon (user participation). These conditions, with the axial phenomenon and contextual conditions (socio-economic structure, geographical location, climate and topographic situation of the rural community) have a direct impact on strategies for removing barriers in participation. Implementing strategies to remove barriers to

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

participation can have consequences such as strengthening socio-economic capital, optimal use of rural resources and improving the position of the government in the village.

Conclusion: The results of the studies showed that causal conditions (weak socio-cultural and human capital of the village, and the lack of conformity of the plan with the culture and economy of the village), in addition to being influenced by intervening conditions (approaches, structures and functions of natural resource departments), have a direct impact on the main phenomenon of user participation. These conditions, along with the main phenomenon and background conditions (socio-economic structure, geographical location, climatic conditions and topography of the village), have a direct impact on strategies for removing barriers to participation. Implementing strategies for removing barriers to participation can have consequences such as strengthening socio-economic capital, optimal exploitation of village resources and improving the position of the government in the village.

Cite this article: Hosseini, S.H., S.A. Javadi, E. Karami Dehkordi, H. Arzani, 2026. Analyzing obstacles of rural rangeland users' participation in rangeland management projects; A Case Study using Grounded Theory Approach in the Zanjan Province. Journal of Rangeland, 20(3): 236-252.



© The Author(s).
DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7
Publisher: Iranian Society for Range Management

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

مـــرتـــع

شاپا چاپی: ۰۸۹۱-۲۰۰۸

شاپا الکترونیکی: ۵۰۳۹-۲۶۷۶

تحلیل موانع مشارکت بهره‌برداران روستایی در طرح‌های مرتع‌داری: مطالعه موردی با رویکرد نظریه داده بنیاد در استان زنجان

سید حسن حسینی[۱]، سید اکبر جوادی[*۲]، اسماعیل کرمی دهکردی[۳]، حسین ارزانی[۴]

۱. دانشجوی دکتری علوم مرتع، دانشکده کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه جنگل، مرتع و آبخیزداری، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

رایانامه: a.javadi@srbiau.ac.ir

۳. دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۴. استاد گروه احیا مناطق خشک و کوهستانی، دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله کامل – پژوهشی

۱۴۰۵؛ جلد ۲۰، شماره ۳

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۲/۱۴
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۰۳

واژه‌های کلیدی:
طرح مرتع‌داری،
مشارکت،
پژوهش کیفی،
موانع مشارکت،
نظریه داده بنیاد،
زنجان.

چکیده

سابقه و هدف: موفقیت طرح‌های مرتع‌داری، به‌عنوان یکی از برنامه‌های مهم مدیریت منابع طبیعی کشور، مستلزم به‌کارگیری مشارکت بهره‌برداران است، ولی این مشارکت با موانعی روبرو بوده است. هدف این پژوهش تحلیل موانع مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتع‌داری استان زنجان است.

مواد و روش‌ها: از طریق یک رویکرد کیفی، مبتنی بر روش‌شناسی مطالعه موردی و نظریه داده بنیاد با استفاده از مصاحبه‌های نیمه ساختارمند با کارشناسان و بهره‌برداران طرح‌های مرتع‌داری انجام شد. ابتدا نمونه‌ای متشکل از ۱۵ نفر از کارشناسان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان (در سطوح استان و هشت شهرستان) از طریق روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب گردید. پس از مصاحبه با کارشناسان، طرح‌های مرتع‌داری اجراشده بالای ۲۰ خانوار استان ازنظر آن‌ها در سه گروه موفق، نسبتاً موفق و ناموفق در شهرستان‌های مختلف دسته‌بندی گردید و از هر گروه، یک طرح مرتع‌داری به‌طور تصادفی انتخاب شد. در مرحله بعد، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند با الگوی گلوله برفی، ۱۵ بهره‌بردار روستایی این سه طرح انتخاب‌شده، مورد مصاحبه قرار گرفتند (پنج بهره‌بردار مطلع کلیدی از هر طرح مرتع‌داری).

نتایج: طی مراحل کدگذاری، ۷۴ مقوله اولیه، ۱۸ مقوله اصلی و ۶ مقوله کانونی (شامل پدیده محوری، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها) شناسایی شدند. تحلیل موانع مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتع‌داری نشان داد که شرایط علی (ضعف سرمایه‌های اجتماعی- فرهنگی و انسانی روستا، و عدم تطابق طرح با فرهنگ و اقتصاد روستا)، ضمن تأثیرپذیری از شرایط مداخله‌گر (رویکردها، ساختارها و کارکردهای ادارات منابع طبیعی)، بر پدیده محوری مشارکت بهره‌برداران تأثیر مستقیم دارند. این شرایط به همراه پدیده محوری و شرایط زمینه‌ای (ساختار اجتماعی- اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، وضعیت اقلیمی و توپوگرافی روستا) بر راهبردهای رفع موانع مشارکت تأثیر مستقیم دارند.

نتیجه‌گیری: نتایج بررسی ها نشان داد که شرایط علی (ضعف سرمایه‌های اجتماعی- فرهنگی و انسانی روستا، و عدم تطابق طرح با فرهنگ و اقتصاد روستا)، ضمن تأثیرپذیری از شرایط مداخله‌گر (رویکردها، ساختارها و کارکردهای ادارات منابع طبیعی، (بر پدیده محوری مشارکت بهره‌برداران تأثیر مستقیم دارند. این شرایط به همراه پدیده محوری و شرایط زمینه‌ای (ساختار اجتماعی- اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، وضعیت اقلیمی و توپوگرافی روستا) بر راهبردهای رفع موانع مشارکت تأثیر مستقیم دارند. اجرای راهبردهای رفع موانع مشارکت

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

می‌تواند پیامدهایی همچون تقویت سرمایه‌های اجتماعی- اقتصادی، بهره‌برداری بهینه از منابع روستا و بهبود جایگاه دولت در روستا را در پی داشته باشد.

استناد: حسینی، س.ح.، س.ا. جوادی، ا. کرمی دهکردی، ح. ارزانی، ۱۴۰۵. تحلیل موانع مشارکت بهره‌برداران روستایی در طرح‌های مرتع‌داری: مطالعه موردی با رویکرد نظریه داده بنیاد در استان زنجان. مرتع، ۲۰(۳): ۲۳۶-۲۵۲.

DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7

ناشر: انجمن علمی مرتعداری ایران

© نویسندگان

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

مقدمه

طرح مرتع‌داری سند مدونی است از مجموعه اقداماتی که به‌منظور مدیریت پایدار مراتع باهدف حفظ، احیاء، اصلاح، توسعه و بهره‌برداری صحیح با رویکرد استمرار تولید، در محدوده معینی از مراتع که معمولاً سامان عرفی نامیده می‌شود، تهیه و به تصویب سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور یا واحدهای تابعه استانی آن می‌رسد. این طرح‌ها به‌تمامی جنبه‌های یک اکوسیستم مرتعی یعنی آب، خاک، پوشش گیاهی، دام و انسان توجه دارند و در صورت طراحی و اجرای اصولی، موجب ساماندهی عرصه‌های مرتعی و کاهش هزینه‌ها شده و از طرفی نیز مانع از بهره‌برداری بی‌رویه از این منابع خواهند شد. این طرح‌ها در سطح ۳۴ میلیون هکتار از مجموع ۸۴/۷ میلیون هکتار عرصه‌های مرتعی ایران تهیه‌شده است که ۱۴ میلیون هکتار از آن، اجراشده و ۶ میلیون هکتار به اتمام رسیده است (۷). باوجود سپری شدن بیش از ۵۰ سال از تاریخ نگارش و اجرای اولین طرح مرتع‌داری در کشور، مشاهده می‌شود که بسیاری از این طرح‌ها به بهره‌برداران واگذار نگردیده است چراکه سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور از بدو تأسیس تابه‌حال، عمده انرژی خود را بر تهیه و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های حفاظتی دستوری متمرکز نموده و به رویکرد جلب مشارکت بهره‌برداران در تهیه و اجرای این طرح‌ها یا توجهی نکرده است یا جزو اولویت‌ها و دغدغه‌های اصلی آن سازمان نبوده است. مشارکت عبارت است از فرآیند توانایی پایدار تحلیل مسائل، طرح را ه حل‌ها، تحرک منابع و به‌کارگیری آن‌ها در همه سطوح نیازهای توسعه‌ای مردم. در فرآیند مشارکت، کنشگران می‌توانند بر فرآیندهایی که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نظارت و کنترل داشته باشند (۲۰). در هر اقدامی که مشارکت بهره‌برداران در نظر گرفته شود و از آن به نحو مطلوب استفاده گردد، پایداری آن اقدام به مقدار زیادی تضمین می‌شود و اتلاف وقت و انرژی و سرمایه کاهش می‌یابد (۱۰). از طرفی مشارکت دادن جوامع محلی در فرآیند تصمیم‌گیری به‌عنوان یک راهکار مدیریتی می‌تواند سبب افزایش اقبال اجتماعی و راحت‌تر شدن اجرای سیاست‌ها گردد (۱۵). مطالعات نشان داده است که مسائلی چون مشاعی بودن سامان عرفی، اختلافات اجتماعی جوامع بهره‌بردار، عدم برخورد قاطع و قانونی دولت با متخلفین و متصرفین بخش منابع طبیعی، بازدارنده نبودن مجازات (عدم‌تناسب جرم و مجازات)، نبود قرقبان، مناسب نبودن پروژه‌ها، عدم وجود تفاوت بین بهره‌بردار متعهد و متخلف، افرازی نبودن سامان عرفی، نداشتن مراتع ییلاقی، سفارش و دخالت برخی مسئولین، نظارت ضعیف ناظران، عدم وجود انگیزه در کارشناسان ناظر، عدم اعمال مدیریت چرا، عدم رعایت قرق، عدم اخذ نظر بهره‌برداران و برخورد دستوری با آن‌ها، اقتصادی نبودن طرح‌های مرتع‌داری، سیاست‌گذاری و اجرای پروژه‌هایی با اهداف متناقض، اقتصادی نبودن واحدهای بهره‌برداری مرتعی، کلیشه‌ای بودن طرح‌ها و عدم تناسب آن‌ها با عرصه مشمول طرح، پایین بودن توان بوم‌شناختی منطقه و طغیان و هجوم آفات (۱۷) از علل عدم واگذاری، عدم اجرا و اجرای ناقص طرح‌های مرتع‌داری هستند. میزان درآمد سالیانه خانوار، حس مسئولیت‌پذیری، دوره‌های آموزشی و ترویجی (۲۲)، توجه دولت به دانش بومی و نیز نیازهای اقتصادی بهره‌برداران، قابلیت مروجان در برقراری ارتباط با بهره‌برداران، میزان آشنایی بهره‌برداران با طرح‌ها و میزان دخالت آن‌ها در تعیین نوع طرح‌ها (۱۸) دارای نقش مؤثری در مشارکت بهره‌برداران در طرح‌ها می‌باشند. عواملی نظیر تقویت درآمد سالیانه خانوار، برگزاری دوره‌های ترویجی و تأمین رایگان نهاده‌های موردنیاز طرح از طرف دولت، میزان مشارکت بهره‌برداران مرتع در طرح را افزایش و عواملی چون سطح پایین تحصیلات روستائیان، سن بالای ایشان، سهل‌انگاری بخش دولتی در اجرای پروژه‌ها و عملی نشدن به‌موقع پروژه‌ها، میزان مشارکت را کاهش می‌دهد (۱۴). خواست و توانایی جوامع محلی برای مشارکت در مدیریت جنگل تحت تأثیر عوامل درونی و بیرونی گوناگونی هست (۴). بررسی دیدگاه بهره‌برداران جنگل در آلمان نشان می‌دهد که مالکان جنگل‌های خصوصی بیشترین تردید را نسبت به مشارکت دارند و گروه‌های طرفدار محیط‌زیست بزرگ‌ترین حامیان افزایش مشارکت می‌باشند. انتقال حقوق استفاده از جنگل به خانوارهای جنگل نشین نیز سبب افزایش برابری، توزیع منافع و حفاظت بهتر می‌گردد (۲۱). در کنار مزایای اقتصادی، حتی منفعت بردن از جلسات گروهی نیز می‌تواند در مشارکت مردم تأثیرگذار باشد. سطح آموزش در کنار

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

شرایط اقتصادی مردم می‌تواند یک مانع یا مشوق برای مشارکت باشد. بررسی مشارکت داوطلبانه نشان داده است که افراد کمتر آموزش‌دیده و با درآمد کمتر تمایلی به حضور در سطح مشارکتی فعال و سطح مشارکت مدیریتی ندارند (۱۲). مطالعات در بخش‌هایی از هند و نپال نشان داده است که موانع اجتماعی، قوانین دولتی، زمان‌بندی (نادرست) و طولانی بودن جلسات می‌توانند مانع مشارکت زنان در مدیریت جنگل شوند (۱۶). احساس عدم نیاز مردم به سازمان‌های دولتی، نامشخص بودن زمان قراردادهای مشارکتی و ترس از بازپس‌گیری امتیازات داده‌شده، می‌توانند از موانع بازدارنده مشارکت مردم محلی در برنامه‌های مشارکتی باشند (۹). افراد دارای اراضی کشاورزی بزرگ‌تر یا سطح رفاه بالاتر ممکن است به‌دلیل عدم نیاز به مزایای اقتصادی، تمایلی به مشارکت در مدیریت جنگل نداشته باشند (۱۹). عواملی مانند سن، وضعیت، سرپرست خانوار، مقدار و اندازه آموزش خانوار، اندازه اعتماد مردم به دولت و اندازه درآمد بهره‌برداران، رابطه‌ی تنگاتنگی با اندازه مشارکت بهره‌برداران دارد (۲۴). برگزاری دوره‌های آموزش به‌منظور بهبود سطح آگاهی افراد در خصوص طرح‌های آبخیزداری در افزایش مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مزبور، نقش دارد (۸). افزایش آگاهی دامداران در خصوص برنامه‌های احیایی و حفاظتی، تأثیر زیادی بر اندازه مشارکت آن‌ها در این فعالیت‌ها داشته است (۱۳). با توجه به مباحث مطرح‌شده به‌نظر می‌رسد شناخت موانع مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتع‌داری یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. در همین راستا، این مطالعه موردی، با هدف شناسایی موانع مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتع‌داری در استان زنجان انجام شد.

مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه

برابر اعلام استانداری زنجان (۱۳۹۸) استان زنجان با مساحت ۲۲۱۶۴ کیلومتر مربع در قسمت شمال غربی کشور در عرض جغرافیایی بین ۳۵ درجه و ۳۷ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۱۰ دقیقه تا۴۹ درجه و ۲۸ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد. این استان از شمال با استان گیلان و آذربایجان شرقی و از مشرق با استان قزوین و گیلان و از مغرب با آذربایجان شرقی و غربی و از جنوب با استان همدان و قزوین و ازجنوب غربی با استان کردستان همجوار است. این استان دارای ۸ شهرستان و ۱۶ بخش و ۴۶ دهستان و ۱۲۱۰ آبادی است. جمعیت استان زنجان بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۸۵ برابر ۹۶۴۶۰۱ نفر است که از این تعداد ۵۷/۸ درصد در شهرها و ۴۲/۲ درصد در روستاها زندگی می‌کنند. شرایط جغرافیایی مشتمل بر تنوع آب و هوایی، برخورداری از منابع آب و حاصلخیزی خاک، این استان را به‌صورت یک منطقه مناسب کشاورزی درآورده است. بعضی از محصولات کشاورزی و باغی استان، از نظر مقدار سطح زیرکشت و تولید، از جمله انگور، با ۱۳۶ هزار تن در سال، مقام اول را در کشور دارد. کشاورزی به صورت‌های دیمی و آبی انجام می‌گیرد و در حدود ۶۵ درصد زمین‌های زیرکشت استان را زمین‌های دیم تشکیل می‌دهند که بیش‌تر در نواحی کوهپایه‌ای و دامنه کوه‌ها قرار دارند. در حال حاضر، استان زنجان یکی از قطب‌های مهم کشاورزی و دامداری غرب کشور به‌شمار می‌آید. انواع فعالیت در هر دو بخش به دو شیوه صنعتی و سنتی انجام می‌شود. از دیگر بخش‌های دامپروری، رمه‌گردانی عشایری در این استان است. استان زنجان در زمینه دامپروری صنعتی و تولید گوشت و شیر، در سطح کشور، جایگاه درخور توجهی را احراز نموده و یکی از مهم‌ترین مراکز مرغداری کشور محسوب می‌شود (۲۷).

روش پژوهش

براساس آمار سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور سطح کل مراتع استان ۱۱۳۷۰۶۰هکتار برآورد شده است (۷). برای کل مراتع استان زنجان، ۳۷۸ فقره طرح مرتع‌داری تهیه‌شده است که ۱۹۳ فقره از این طرح‌ها به بهره‌برداران مراتع واگذار و از آن تعداد نیز، ۱۳۰ فقره اجراشده یا در دست اجرا هستند (۷ و ۲۵). نظر به تعداد بالای طرح‌های مرتع‌داری اجراشده استان و محدودیت وقت و اعتبار، برای انتخاب نمونه به این صورت اقدام شده که ابتدا لیست طرح‌های مرتع‌داری اجراشده بالای ۲۰ خانوار استان تهیه گردید. در گام بعدی تعداد ۱۵ نفر از کارشناسان مرتع اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان زنجان و ۸ شهرستان تابعه به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

شدند. سپس لیست تهیه‌شده در اختیار آن‌ها قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد که نظر کارشناسی خود را در خصوص میزان موفقیت این طرح‌ها ارائه نمایند. برابر نظرخواهی به‌عمل‌آمده از کارشناسان، طرح‌های مرتع‌داری بالای ۲۰ خانوار استان به سه دسته موفق، نسبتاً موفق و ناموفق دسته‌بندی و از هر دسته، یک روستا به‌قیدقرعه انتخاب گردید (با این پیش‌شرط که این روستاها از شهرستان‌های مختلف استان باشند تا تعمیم‌پذیری نظریه نهایی امکان‌پذیر باشد). در نهایت از هر روستا ۵ بهره‌بردار مطلع کلیدی به روش نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. برای گردآوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه نیمه ساختارمند استفاده گردید. مشارکت‌کنندگان پژوهش را ۱۵ کارشناس منتخب در مرحله دسته‌بندی طرح‌های بالای ۲۰ خانوار و نیز ۱۵ بهره‌بردار از ۳ روستای منتخب (انتخاب ۵ نفر بهره‌بردار از هرکدام از ۳ روستای منتخب، به روش گلوله برفی و با شناسایی اولین فرد حائز شرایط) تشکیل می‌دادند. گردآوری داده‌ها و مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه یافت که دیگر اطلاعات جدیدی اضافه نشد و موارد مطرح‌شده به حد اشباع نظری رسیده و نکات مطرح‌شده از سوی مشارکت‌کنندگان حالت تکراری پیدا کرد. برای دستیابی به اعتماد موردنیاز جهت تائید علمی پژوهش نیز از کنترل بیرونی در قالب نظارت استاد راهنما بر تمام مراحل پژوهش و نیز ارائه مفاهیم، مقولات و روابط بین آن‌ها به مشارکت‌کنندگان، انجام اصلاحات جزئی بر مبنای نظرات ایشان در خصوص یافته‌ها و اخذ تأییدیه نهایی ایشان و برای سنجش اعتبار مدل نهایی از روش کنترل توسط مشارکت‌کنندگان (تکرار مطالب و مفاهیم توسط کارشناسان) استفاده شد.

این مطالعه به‌عنوان یک مطالعه کیفی، مبتنی بر روش‌شناسی مطالعه موردی و نظریه داده بنیاد انجام شد. جمع آوردی داده‌ها با تکنیک مصاحبه نیمه ساختارمند با کارشناسان و بهره‌برداران طرح‌های مرتع‌داری استان زنجان انجام شد. نظریه داده بنیاد به‌عنوان یک ابزار تحقیق توسط اشتراوس و گلاسر توسعه داده شد. این نظریه در ابتدا به‌عنوان مجموعه‌ای از روش‌های صریح برای تجزیه‌وتحلیل داده‌های کیفی ابداع شد تا به کمک آن، نظریه‌های مفید میان برد از داده‌ها ساخته شود (۲). ازآنجاکه این نظریه در داده‌ها، بنیان دارد، نسبت به نظریه‌ای که از مجموعه نظریه‌های موجود اقتباس‌شده و تطبیق داده می‌شود، تبیین بهتری ارائه می‌دهد؛ زیرا با موقعیت تناسب دارد، در عمل واقعاً کارآمد است، افراد موجود در یک محیط را در نظر گرفته و احساسات آن‌ها را درک می‌کند و ممکن است همه پیچیدگی‌هایی را که واقعاً در فرآیند یافت می‌شود، نشان دهد (۶). نظریه‌پردازان داده بنیاد معمولاً به یکی از سه رهیافت نظام‌مند، ظاهر شونده یا ساخت گرایانه عمل می‌کنند (۵). در این پژوهش نیز از رهیافت نظام‌مند استفاده شد که تأکید بر استفاده از مراحل تحلیل داده تحت عنوان کدگذاری‌های باز، محوری، انتخابی و توسعه یک الگوی منطقی یا یک تصویر بصری از نظریه تولیدشده دارد (۵). کدگذاری باز، فرآیند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی‌شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند (۲۳ و ۱۱). در این مرحله، نظریه‌پرداز داده بنیاد، طبقات اولیه (مقوله‌های اولیه) را به‌وسیله بخش‌بندی اطلاعات شکل می‌دهد و درواقع مقوله‌ها را بر همه داده‌های جمع‌آوری‌شده نظیر مصاحبه‌ها، مشاهدات، وقایع یا یادداشت‌های خود بنیان می‌گذارد (۵). دانایی‌فرد و امامی (۲۰۰۷) به نقل از گلیسر و اشتراوس (۱۹۶۷) بیان نموده‌اند که معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌برداری نظری، کفایت نظری مقوله‌ها یا نظریه است، یعنی رسیدن به وضعیتی که در آن هیچ داده بیشتری یافت نمی‌شود که پژوهشگر به‌وسیله آن بتواند ویژگی‌های مقوله را رشد دهد. به موازاتی که پژوهشگر داده‌های مشابه را بارها و بارها مشاهده می‌کند، ازلحاظ تجربی اطمینان حاصل می‌کند که یک مقوله به‌کفایت رسیده است. زمانی که مقوله‌ای کفایت لازم خود را کسب کرد، هیچ‌چیز باقی نمی‌ماند، جز اینکه پژوهشگر به سراغ گروه‌های جدیدی از داده در مورد مقوله‌های دیگر برود و تلاش کند آن مقوله‌ها نیز کفایت لازم را به‌دست آورند. درواقع نظریه‌پرداز داده بنیاد برای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر، معانی و مفاهیم دسته‌ها و مقوله‌ها را بازتعریف می‌کند، توسعه می‌دهد و روشن می‌سازد؛ این فرآیند مثل یک موج رفت و برگشتی بین جمع‌آوری و تجزیه‌وتحلیل داده‌ها حرکت می‌کند و تا زمانی که جستجوگر به اشباع یک مقوله برسد، ادامه می‌یابد (۶). در کدگذاری محوری، نظریه‌پرداز داده بنیاد، یک طبقه یا

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

مقوله اولیه حاصل از مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکز فرآیندی که در حال بررسی آن است قرار می‌دهد و دیگر مقوله‌ها را به آن ربط می‌دهد. این مقوله‌های دیگر عبارت‌اند از؛ شرایط علی (شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند)، شرایط زمینه‌ای (شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند)، شرایط مداخله‌گر (شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند)، راهبردها (کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شوند) و پیامدها (خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها) (۵). این مرحله دربرگیرنده ترسیم الگوی کدگذاری بصری یا محوری است که روابط متقابل شرایط علّی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر و پیامدها را به تصویر می‌کشد (۵). کدگذاری انتخابی فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها است. در این مرحله، نظریه‌پرداز داده بنیاد از روابط بین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری، یک نظریه به نگارش درمی‌آورد (۱، ۱۱ و ۲۳). به‌عبارت‌دیگر کدگذاری انتخابی، یافته‌های مراحل کدگذاری قبلی را گرفته، مقوله محوری را انتخاب می‌کند، به شکلی نظام‌مند آن را به دیگر مقوله‌ها ربط می‌دهد، آن روابط را اثبات می‌کند و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، تکمیل می‌کند. در یک سطح پایه، این نظریه، توضیحی انتزاعی برای مراحلی که در تحقیق موجود در حال طی شدن است، ارائه می‌دهد. (این مرحله، عبارت است از فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود بخشی نظریه از طریق فنونی نظیر نگارش خط داستان که مقوله‌ها را به هم متصل می‌کند و مرتب کردن یادداشت‌های شخصی در خصوص ایده‌های نظری. در یک خط داستان، پژوهشگر بررسی می‌کند که چگونه عوامل خصوصی بر پدیده اثر می‌گذارند و منجر به استفاده از راهبردهایی خاص با خروجی‌های ویژه می‌شوند (۵). نظریه‌پردازان داده بنیاد، نظریه خویش را به یکی از سه شکل الگوی کدگذاری بصری، مجموعه‌ای از قضایا یا فرضیه‌ها و یا یک داستان که به شکل روایی نوشته می‌شود، ارائه می‌نمایند (۶). در این پژوهش از الگوی کدگذاری بصری که همان الگوی کدگذاری محوری است (۶)، استفاده شد. استفاده از نرم‌افزارهای رایانه‌ای در تحلیل داده‌های پژوهشی، پدیده‌ای رو به رشد است. نرم‌افزارهای گوناگون طراحی‌شده دارای قابلیت‌های متفاوتی از قبیل کدگذاری، جستجوی متن برای دفعات و تکرار این کدها تا قابلیت نظریه‌پردازی می‌باشند (۲۶). در مطالعه حاضر نیز از نسخه ۱۰ نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی معروف به Nvivo استفاده گردید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم‌افزار Nvivo انجام شد.

نتایج

پس از تجزیه‌وتحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده در محیط نرم‌افزار Nvivo، ۱۹۰ مفهوم اولیه استخراج گردید. با بازبینی‌های متعدد، ادغام کدها، ارسال مجدد مفاهیم به‌دست‌آمده به مصاحبه‌شوندگان اولیه و اخذ تأییدیه مجدد آن‌ها، درنهایت ۷۴ مقوله اولیه دارای بار معنایی مستقل شناسایی گردید (کدگذاری باز). مقوله‌های اولیه پس از ربط دهی با یکدیگر در ۱۸ مقوله اصلی و ۶ مقوله کانونی زیر دسته‌بندی گردیدند: (الف) پدیده محوری: پس از جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در مرحلهٔ کدگذاری باز، مبتنی بر تمرکز مصاحبه‌شوندگان و نیز بررسی ادبیات تحقیق، موانع مشارکت روستائیان در طرح‌های مرتع‌داری، به‌عنوان مقولهٔ محوری انتخاب شد. (ب) شرایط علی: به استناد یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام‌شده، این شرایط عبارت‌اند از؛ مقوله‌های ضعف سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی در روستا، ضعف نیروی انسانی روستا، زاویه طرح با فرهنگ روستا و زاویه طرح با اقتصاد روستائیان. (پ) شرایط زمینه‌ای: به استناد یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام‌شده این شرایط عبارت‌اند از؛ ساختار اجتماعی روستا، ساختار اقتصادی روستا، موقعیت جغرافیایی روستا، وضعیت آب و هوایی روستا و نهایتاً وضعیت توپوگرافی روستا. (ت) شرایط مداخله‌گر: در این مطالعه، شرایط مداخله‌گر، شرایط عامی قلمداد شده‌اند که همراه با شرایط زمینه‌ای، راهبردهای رفع موانع مشارکت روستائیان در طرح‌های مرتع‌داری را تحت تأثیر قرار می‌دهند که در الگوی معرفی‌شده، این شرایط عبارت‌اند از رویکرد، کارکردها و ساختارهای ادارات منابع طبیعی. (ث) راهبردها: برابر یافته‌های تحقیق، راهبردهای رفع موانع (جلب) مشارکت

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

بهره‌برداران در طرح‌های مرتع‌داری عبارت‌اند از اصلاح رویکردها، ساختارها و کارکردهای ادارات منابع طبیعی. (ج) پیامدها: برخی از مقوله‌ها، پیامد و نتی‌جه‌ی حاصل از اجرای راهبردهای رفع موانع مشارکت بهره‌برداران می‌باشند. بر اساس یافته‌های تحقیق، جلب مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتع‌داری موجب تقویت سرمایه اجتماعی روستا، بهره‌برداری بهینه از منابع روستا، تقویت سرمایه‌های اقتصادی روستا و تقویت جایگاه دولت در روستا می‌شود.

تحلیل ارتباطات بین مقولات کانونی نشان داد که شرایط علی (ضعف سرمایه‌های اجتماعی- فرهنگی و انسانی روستا و عدم تطابق طرح با فرهنگ و اقتصاد روستا)، ضمن تأثیرپذیری از شرایط مداخله‌گر (رویکردها، ساختارها و کارکردهای ادارات منابع طبیعی)، بر پدیده محوری مشارکت بهره‌برداران تأثیر مستقیم دارند. این شرایط به همراه پدیده محوری و شرایط زمینه‌ای (ساختار اجتماعی- اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، وضعیت اقلیمی و توپوگرافی روستا) بر راهبردهای رفع موانع مشارکت تأثیر مستقیم دارند. اجرای راهبردهای رفع موانع مشارکت می‌تواند پیامدهایی همچون تقویت سرمایه‌های اجتماعی- اقتصادی، بهره‌برداری بهینه از منابع روستا و بهبود جایگاه دولت در روستا را در پی داشته باشد. (کدگذاری انتخابی). نتایج کدگذاری باز و محوری پژوهش در جدول (۱) و الگوی کدگذاری بصری پژوهش در شکل (۱) نشان داده‌شده است (۵ و ۶).

جدول ۱: نتایج کدگذاری باز و محوری

مقوله‌های اولیه	مقوله اصلی	مقوله کانونی
عدم اطمینان بهره‌برداران به دولت در باب اعطای تسهیلات و نهاده‌ها، عدم هماهنگی بین رهبران محلی و دیگر کنشگران فعال و پشتیبان بیرونی در اجرای پروژه‌ها، خاطره ناخوشایند برخی خانوارها از یک طرح (زیان مالی/جانی کی از اعضای خانواده)، عدم آگاهی خانوارها و اجتماعات بهره‌بردار در مورد چگونگی مشارکت در طرح‌های مرتع‌داری، عدم آگاهی بهره‌برداران از مزایای طرح‌ها	ضعف سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی روستا	شرایط علی
کمبود نیروهای فنی در روستا (شامل استاد و کارگر ماهر در زمینه پروژه‌های مرتع‌داری)، کمبود نیروهای محافظ و قرقبان محلی	ضعف نیروی انسانی روستا	
عدم انطباق طرح‌ها با هنجارهای فرهنگی روستا (عدم وجود علایق مشترک بین بهره‌برداران و ادارات منابع طبیعی به‌عنوان متولیان تهیه و اجرای طرح، عدم اعتقاد بهره‌برداران به اهمیت و ضرورت مشارکت در مراحل طرح)	عدم تطابق طرح با فرهنگ روستا	
عدم سوددهی طرح برای بهره‌برداران، تداخل و تضاد غالب طرح‌ها با اشتغال مردم (مزاحم شغل و کسب‌وکار مردم)	عدم تطابق طرح با اقتصاد بهره‌برداران	
کم‌کاری معتمدین و رهبران محلی در باب تقویت مؤلفه‌های مشارکت	ساختار اجتماعی روستا	
کمبود منابع فیزیکی خانوار بهره‌بردار، عدم مالکیت اشخاص بر مراتع خود، پایین بودن توان اقتصادی خانوار بهره‌بردار برای مشارکت در طرح، مشکل معیشت خانوار بهره‌بردار	ساختار اقتصادی روستا	
فاصله جغرافیایی زیاد بین منابع تأمین نهاده و محل اجرای پروژه (کاهش انگیزه‌ها و افزایش هزینه‌ها)	موقعیت جغرافیایی روستا	شرایط زمینه‌ای
شرایط آب و هوایی نامناسب محل اجرای برخی پروژه‌ها (به‌دلیل عدم نظرخواهی از بهره‌برداران در مرحله تهیه طرح)	وضعیت آب و هوایی روستا	
شرایط توپوگرافی نامناسب محل اجرای برخی پروژه‌ها ((پروژه‌هایی مثل آبشخوار به‌منظور ارتقای ضریب امنیتی (کاهش احتمال سرقت) عموماً در مناطقی پرت و صعب‌العبور نصب می‌شوند بدون اینکه به مقوله امکان تردد دام و یا احتمال (میزان) تردد دام از آن مسیر توجهی شود))	وضعیت توپوگرافی روستا	
عدم ارتباط یا وجود ناهماهنگی بین قسمت‌های پژوهشی، آموزشی و اجرایی طرح، غفلت از ظرفیت رهبران محلی جهت برقراری ارتباط با بهره‌برداران	رویکردهای ادارات منابع طبیعی	شرایط مداخله‌گر
عدم اعتقاد/تمایل دولت به جلب مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح‌ها، پیمانکار مداری فرآیند تهیه و اجرای طرح به‌جای بهره‌بردار محوری، اولویت دادن به مسئولان، کارشناسان، پیمانکاران و ناظران و نه خانوارهای بهره‌بردار، محدودیت زمان فعالیت در محل اجرای پروژه‌ها (فصل کوتاه کاری به‌دلیل ابلاغ دیرهنگام اعتبارات سالانه)، عدم نظارت صحیح و به‌موقع از سوی دولت، عدم توجه کافی به ارزشیابی پس از اجرا (به‌دوراز چشم بهره‌برداران ارزیابی کردن)، عدم نظارت و کنترل بر پروانه چرای دام (عدم مدیریت چرا) توسط دولت، عدم مساعدت دولت در راستای ایجاد تشکل‌های مردمی جهت تهیه و اجرای طرح‌ها، عدم برخورد مناسب و سریع با متصرفین و متجاوزین مراتع، عدم‌حمایت دولت (منابع طبیعی) از مجریان و مراقبین طرح پس از اجرای طرح، غفلت از تقویت انگیزه و تعصب مالکیتی طرح در بین بهره‌برداران، غفلت از تشویق بهره‌برداران فعال، عدم پرداخت تسهیلات بانکی برای مشارکت در طرح، بی‌عدالتی در توزیع عادلانه خدمات/تسهیلات، عدم عمل به تعهدات در قبال بهره‌برداران، عدم اهمیت دادن به نیازهای مردم خصوصاً نیازهای معیشتی، عدم توجه به افراد ضعیف و محروم، عدم آموزش به پیمانکاران در خصوص چگونگی جذب بهره‌برداران به فرآیند تهیه و اجرای طرح‌ها، عدم شناسایی و حفظ افراد یا گروه‌های طرف مشورت محلی توسط دولت (جهت نظرخواهی در طرح‌ها)، عدم اطلاع کافی کنشگران بیرونی در مورد واقعیت‌های اجتماعات روستایی، عدم توانایی دولت در برقراری ارتباط سریع و صحیح با بهره‌برداران، فراهم نکردن امکان بازدید بهره‌برداران از پروژه‌ها و طرح‌های موفق قبلی، عدم برگزاری نمایشگاه‌های آزاد در مورد منابع طبیعی، عدم برگزاری گردهمایی با حضور گروه‌های ذینفع، ضعف در اطلاع‌رسانی در خصوص ضرورت طرح‌ها، عدم نصب تابلوهای ترویجی یا کمبود محسوس آن‌ها، عدم تهیه و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی آموزشی مرتبط با حفظ و نگهداری و توسعه مراتع	کارکردهای ادارات منابع طبیعی	

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

ادامه جدول ۱

مقوله‌های اولیه	مقوله اصلی	مقوله کانونی
تمرکز واحدهای اجرایی در شهرها و دوری آن‌ها از عرصه‌های بهره‌برداری، عدم وجود دفاتر اطلاع‌رسانی محلی (مشابه مراکز خدمات کشاورزی)، تغییرات مکرر در نظام مدیریتی مراتع (در ادارات منابع طبیعی)	ساختارهای ادارات منابع طبیعی	
حذف پیمانکار مداری در تهیه و اجرای طرح‌ها، اتخاذ رویکرد توجیه‌پذیری اقتصادی در تهیه طرح‌ها (تقویت اقتصاد بهره‌برداران)	اصلاح رویکردهای ادارات منابع طبیعی	
توسعه سیستم‌های آموزشی و ترویجی در روستاها، انجام فعالیت‌های تسهیلگری با رویکرد ظرفیت‌سازی جوامع بهره‌بردار در راستای فرهنگ‌سازی مشارکت، برقراری ارتباط مؤثر و مستمر عوامل اجرایی (کارشناسان و پیمانکاران) با مردم، توجه ویژه به تقویت تشکل‌ها و تعاونی‌های غیردولتی موجود و حتی ایجاد تشکل‌های جدید، اعطای مشوق‌های مادی و غیرمادی به بهره‌برداران	اصلاح کارکردهای ادارات منابع طبیعی	راهبرد
جایگزینی دیدگاه پایین به بالا به‌جای دیدگاه بالا به پایین، رفع موانع اطلاعاتی و برقراری ارتباط مستمر دوسویه با بهره‌برداران	اصلاح ساختارهای ادارات منابع طبیعی	
تقویت احساس مالکیت بهره‌برداران، تقویت مسئولیت اجتماعی و روحیه کار جمعی در بین بهره‌برداران، کاهش آسیب‌های روحی (افزایش امید در بهره‌برداران)، حفظ و تقویت منابع معیشت بهره‌برداران، کاهش مهاجرت بهره‌برداران، افزایش اطلاعات بهره‌برداران در خصوص فعالیت‌های دولتی، آسان‌تر شدن انجام پروژه‌ها و فعالیت‌ها از طریق تشریک‌مساعی	تقویت سرمایه‌های اجتماعی روستا	
کاهش رقابت بر سر چرای دام، حفاظت بیشتر از مراتع روستا، استفاده بهینه از امکانات مادی و غیرمادی روستا، استفاده بهینه از مرتع و محصولات مرتعی، افزایش راندمان تولید	بهره‌برداری بهینه از منابع روستا	پیامد
حضور راحت‌تر، فعال‌تر و مفیدتر دولت در روستاها	تقویت جایگاه دولت در روستا	

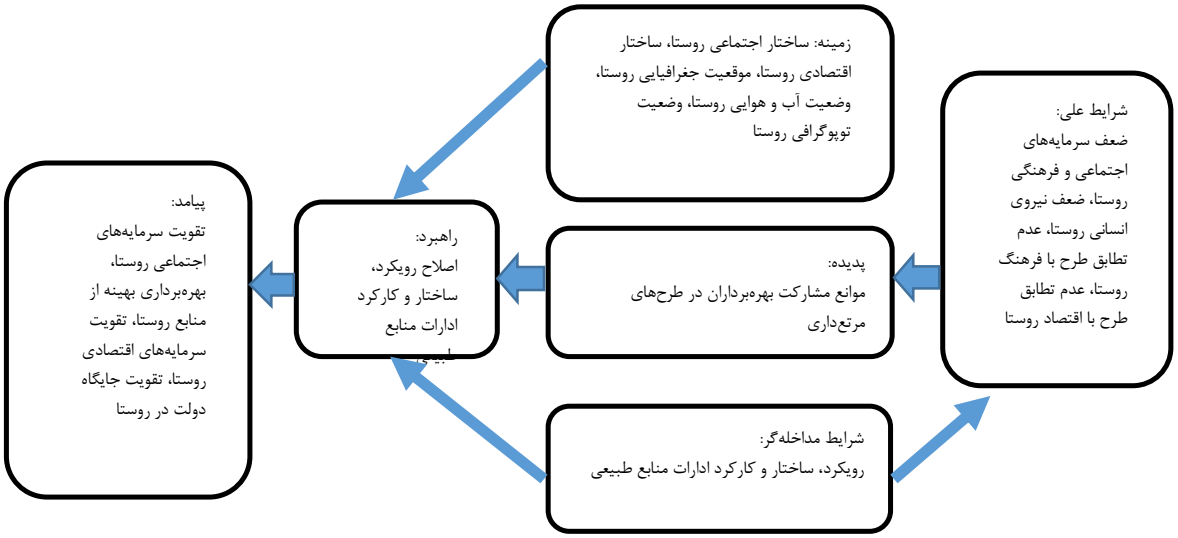

شکل ۱: الگوی کدگذاری بصری موانع مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتع‌داری

بحث و نتیجه‌گیری

اکثر طرح‌های مرتع‌داری تهیه‌شده در استان که با هزینه کرد بالا هم بوده‌اند به‌دلیل عدم استقبال بهره‌برداران، اصولاً یا به مرحله واگذاری نرسیده‌اند و یا در صورت واگذاری، در مرحله اجرا یا مراقبت‌های پس از اجرا با موانع و مشکلات اساسی در زمینه جلب مشارکت بهره‌برداران مواجه گشته‌اند. ازاین‌رو هدف این پژوهش، یافتن موانع مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتع‌داری استان است، بررسی موانع مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتع‌داری در این پژوهش نشان می‌دهد که عدم هماهنگی بین رهبران محلی و کنشگران بیرونی در اجرای پروژه‌ها باعث عدم تشریح و تبیین درست اهداف و چشم‌انداز طرح گردیده که این موضوع در کنار عدم اطمینان بهره‌برداران به دولت در زمینه اعطای تسهیلات و نهاده‌ها و نیز عدم اطلاع کامل و صحیح بهره‌برداران از مزایای طرح‌های مرتع‌داری یا از چگونگی مشارکت در این طرح‌ها، سبب عدم استقبال یا

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

استقبال کم بهره‌برداران از طرح‌های مرتع‌داری می‌شود که با نتایج مطالعات (۱۷) نیز انطباق دارد ازاین‌رو پیشنهاد می‌گردد ادارات منابع طبیعی و آبخیزداری با پیش‌بینی و اجرای برنامه‌های تسهیلگری و ظرفیت‌سازی در جوامع محلی (به‌ویژه در مورد رهبران و معتمدین محلی) در خصوص توجیه کامل مزایا و اهداف طرح برای بهره‌برداران اقدام نموده و در کنار این موضوع با پرهیز از هرگونه بدعهدی و بدقولی، زمینه جلب اعتماد و مشارکت بهره‌برداران را فراهم آورند. در مواردی نیز مشاهده می‌شود که خاطره ناخوشایند یک فرد از یک طرح (زیان مالی و جانی در طرح‌های گذشته) سبب می‌شود علاوه بر این‌که خود آن فرد و خانواده‌اش رغبت آن‌چنانی به همکاری در طرح فعلی نداشته باشند بلکه به‌نوعی، کارایی و کارآمدی طرح‌های آتی در بین دیگر بهره‌برداران همان روستا یا روستاهای هم‌جوار را نیز زیر سؤال ببرد، ازاین‌رو پیشنهاد می‌گردد ادارات منابع طبیعی با دلجویی از افراد صدمه‌دیده در طرح‌های پیشین، درصدد جبران خسارات ناشی از اجرای طرح‌های قبلی خود در روستا برآیند که در این خصوص، توجه به‌ضرورت بیمه فعالیت‌ها و پروژه‌ها از حیث جبران صدمات جانی و مالی مورد تأکید است. در مواردی نیز کمبود نیروهای فنی (شامل استاد و کارگر ماهر در زمینه پروژه‌های مرتع‌داری) در برخی روستاها سبب می‌شود که ادارات منابع طبیعی در مرحله اجرای پروژه‌هایی چون نصب آبشخوار، احداث بندهای رسوب‌گیر و سایر پروژه‌های مبتنی بر کار کارگری فنی و تخصصی، با عدم تمایل بهره‌برداران به مشارکت در اجرا، مواجه شوند و یا پس از اجرای پروژه‌ها، با مشکل تأمین نیروی محافظ و قرقبان محلی جهت حفاظت از پروژه‌های اجراشده، مواجه گردند و به‌ناچار از نیروهای غیربومی برای این موارد استفاده نمایند که این نیروهای غیربومی معمولاً مورد استقبال بهره‌برداران قرار نگرفته و همکاری خوبی با آن‌ها به‌عمل نمی‌آید ازاین‌رو پیشنهاد می‌گردد ادارات منابع طبیعی در چنین مواردی، اصل موضوع تأمین نیروی اجرایی یا نیروی محافظ از خارج از روستای هدف را نیز به بهره‌داران روستای هدف واگذار نمایند تا این بهره‌برداران، افراد غیربومی مورد اعتماد خود را معرفی نمایند و بدین ترتیب مقوله مشارکت در مرحله اجرا و نگهداری پروژه‌ها، نیز تحقق یابد. گاها نیز عدم وجود علایق مشترک بین بهره‌برداران و ادارات منابع طبیعی به سبب نگاه آرمانی این ادارات به طرح‌ها و غفلت آن‌ها از دیدگاه و دانش بومی بهره‌برداران (در مرحله تهیه طرح) به‌نوعی سبب تشدید حس عدم‌اعتقاد بهره‌برداران به مشارکت در طرح و به دنبال آن تشدید تفاوت دیدگاه کارشناسان و بهره‌برداران در خصوص نوع پروژه‌ها یا محل اجرای آن‌ها و یا حتی انتظارات از پروژه‌ها می‌گردد که به این مسائل، با عنوان موانع مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتع‌داری در مطالعات (۱۷ و ۱۸) نیز پرداخته‌شده است. از طرفی عدم سوددهی اقتصادی ملموس و آنی طرح برای بهره‌برداران به علت عدم توجیه بهره‌برداران در خصوص منافع بلندمدت و گاها غیرقابل ارزش‌گذاری مادی پروژه‌های پیش‌بینی‌شده در طرح و نیز تداخل و تضاد برخی پروژه‌ها با اشتغال بهره‌برداران (به جهت هم‌زمانی اجرای این پروژه‌ها با فصل اوج کارهای کشاورزی و دامداری) گاها سبب عدم رغبت و تمایل بهره‌برداران به مشارکت می‌گردد ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود ادارات منابع طبیعی در مرحله تهیه طرح با هدف استفاده از دانش بومی بهره‌برداران، مطالعات عمیق اقتصادی- اجتماعی از جوامع بهره‌بردار را به‌عنوان یکی از گام‌های اصلی مطالعاتی در فرآیند تهیه طرح مدنظر قرار داده و به پیمانکاران تهیه طرح نیز تکلیف نمایند. وجود برخی نارسایی و مشکلات در فضای داخلی روستاها مانع از اجرای کامل و مؤثر راهبردهای ایجاد یا ارتقای مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتع‌داری استان گردیده‌اند به‌عنوان‌مثال کم‌کاری معتمدین و رهبران محلی در زمینه تقویت مؤلفه‌های مشارکت (در راستای ایجاد یا تقویت رابطه صمیمانه مبتنی بر اعتماد بین بهره‌برداران و کنشگران بیرونی) در مواردی سبب تشدید تفاوت دیدگاه بین بهره‌برداران و ادارات منابع طبیعی و به دنبال آن کاهش میزان مشارکت بهره‌برداران گردیده است. مواردی چون وجود مشکلات عدیده معیشتی، ضعف در توان فیزیکی و اقتصادی برخی خانوارهای بهره‌بردار، عدم مالکیت ایشان بر مراتع خود و به دنبال آن عدم وجود انگیزه حفاظت از این مراتع نیز از موانع مشارکت آن‌ها در طرح‌های مرتع‌داری است که با نتایج مطالعات (۳ و ۱۴ و ۱۷ و ۱۸ و ۲۲ و ۲۴) نیز مطابقت دارد ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود موضوع توجیه و ترغیب معتمدان و رهبران محلی در این خصوص

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

از طریق برگزاری مکرر و منظم دوره‌های آموزشی و ترویجی در دستور کار ادارات منابع طبیعی قرار گیرد و این ادارات ضمن اتخاذ رویکرد توجیه‌پذیری اقتصادی در تهیه طرح‌ها و پیش‌بینی تسهیلات درخور شأن مجریان و بهره‌برداران، با برنامه‌ریزی‌های مناسب، سریع و در دسترس، افزایش توان اقتصادی بهره‌برداران را در دستور کار خود قرار دهند و از طرفی ضمن مطالعه دقیق نوع و میزان مشوق‌های مادی (مانند پرداخت دستمزد در ازای کار در طرح، اعطای تسهیلات بلندمدت کم‌بهره در قالب طرح، تهیه و تحویل رایگان یا یارانه‌ای کود و بذر و سایر نهاده‌های مرتبط با طرح و ....) و مشوق‌های غیرمادی (مانند تشویق معنوی بهره‌برداران و مجریان نمونه، تمهید سفرهای علمی و تفریحی و حتی زیارتی برای مشارکت‌کنندگان فعال، تسهیل ارتباط مشارکت‌کنندگان با مقامات سیاسی و اداری و ....) مؤثر در ترغیب و تشویق بهره‌برداران، در خصوص اعطای این مشوق‌ها نیز اقدامات اساسی و ماندگاری انجام دهند. فاصله جغرافیایی زیاد برخی روستاها از ادارات منابع طبیعی مستقر در مرکز شهرستان گاها سبب اختلاف نگرش و دید بهره‌برداران و این ادارات در خصوص پروژه‌های پیش‌بینی‌شده در طرح می‌شود که البته عدم وجود دفاتر اطلاع‌رسانی محلی از طرف ادارات منابع طبیعی نیز بر شدت و قوت این اختلاف می‌افزاید چراکه این ادارات معمولاً به‌دلیل کمبود اعتبارات در بخش آموزش و ترویج، اولویت برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی را به روستاهای نزدیک به مرکز شهر می‌دهند. از طرفی فاصله زیاد برخی روستاها از مرکز شهر معمولاً سبب افزایش چشمگیر هزینه‌های حمل نهاده‌ها به محل روستا و مهم‌تر از آن هزینه‌های نظارت بر فعالیت‌ها و پروژه‌ها نیز می‌شود و بنا به همین دلیل، معمولاً ادارات منابع طبیعی در پیش‌بینی تعداد و حتی نوع پروژه‌ها در این روستاها با محدودیت جدی مواجه بوده و در مقوله نظارت نیز معمولاً هیچ نظارتی بعد از اجرای طرح‌های روستاهای دورافتاده صورت نمی‌پذیرد. ازاین‌رو ازآنجایی‌که موقعیت جغرافیایی روستاهای هدف قابل‌تغییر نیست؛ پیشنهاد می‌گردد ادارات منابع طبیعی با تغییراتی در ساختار و حتی الگوی مدیریتی خود در جهت کاهش تأثیرات منفی موقعیت روستا، در جلب مشارکت بهره‌برداران همت گمارند توضیح این‌که از تمرکز واحدهای اجرایی در شهرها اجتناب نمایند و با الگوبرداری از تجربه موفق مراکز خدمات کشاورزی مستقر در بخش‌ها که بیش از دو دهه از عمر آن‌ها سپری‌شده است با پیگیری و ایجاد مراکز مشابه در سطح بخش‌ها به‌نوعی مشکل دوری از برخی روستاها و به‌تبع آن ارتباط دیربه‌دیر با بهره‌برداران این روستاها را تا حد امکان مرتفع نمایند تا ضمن تبیین مدام و مکرر فواید و اهداف طرح به بهره‌برداران از طریق برگزاری زودبه‌زود دوره‌های آموزشی مرتبط با طرح، با استقبال از دانش بومی آن‌ها، موجبات کاهش هزینه‌های تهیه و اجرای طرح را نیز فراهم آورند. از طرفی عدم هماهنگی برخی از پروژه‌های پیش‌بینی‌شده در طرح‌ها با شرایط اقلیمی و توپوگرافی مناطق هدف، گاها سبب عدم اقبال بهره‌برداران به اجرای این پروژه‌ها در مکان‌های پیش‌بینی‌شده توسط ادارات منابع طبیعی می‌گردد که بنا به اظهارات بهره‌برداران، علت اصلی این موضوع نیز به عدم مشورت با بهره‌برداران در مرحله تهیه طرح برمی‌گردد که این یافته با نتایج مطالعات (۱۷) انطباق دارد. گاها نیز مشاهده می‌شود که شرایط نامساعد توپوگرافی محل در نظر گرفته‌شده برای اجرای پروژه‌هایی مثل آبشخوار، میزان اقبال بهره‌برداران به اجرا را تحت تأثیر قرار می‌دهد، توضیح اینکه برای ادارات منابع طبیعی، بحث امنیت محل احداث پروژه‌هایی مثل آبشخوار در اولویت اول بوده (به‌منظور ارتقای ضریب امنیت از حیث سرقت یا تخریب) و با این دیدگاه، معمولاً این پروژه را در نواحی دور از دسترس و فاقد راه دسترسی خودرویی، پیش‌بینی و اجرا می‌کنند درحالی‌که برای بهره‌برداران، موضوع قابلیت و سهولت دسترسی دام به آبشخوار در اولویت است، ازاین‌رو پیشنهاد می‌شود موضوع پیش‌بینی نوع پروژه‌ها و محل اجرای آن‌ها با مشورت بهره‌برداران (مشارکت در مرحله تهیه طرح) صورت گیرد. وجود شرایطی که منشأ آن‌ها از خارج از روستاست در کنار شرایط زمینه‌ای، بر راهبردهای ایجاد یا ارتقای مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتع‌داری تأثیر می‌گذارند؛ به‌عنوان‌مثال در موارد عدیده‌ای، بین قسمت‌های پژوهشی ادارات منابع طبیعی با قسمت‌های آموزشی و اجرایی این ادارات ناهماهنگی‌های بسیار زیادی مشاهده می‌شود، توضیح اینکه ادارات منابع طبیعی و آبخیزداری عموماً فاقد واحد مطالعات و پژوهش در خصوص شرایط و مقتضیات

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

تهیه طرح‌های مرتع‌داری بوده و همه‌ساله موضوع تهیه و تدوین طرح‌های مرتع‌داری را طی قراردادهایی به بخش خصوصی واگذار می‌نمایند که این بخش خصوصی هم معمولاً بر مبنای پیشنهاد کمترین مبلغ در فرآیند برگزاری مناقصات، انتخاب می‌گردد. پیمانکاران طرف قرارداد نیز معمولاً هیچ‌گونه تعهد و اجباری در جلب مشارکت بهره‌برداران در مرحله تهیه طرح نداشته و معمولاً به‌منظور دستیابی سریع‌تر به منافع اقتصادی بیشتر، در یک بازه زمانی کوتاه، اقدام به تهیه طرح نموده و در خوش‌بینانه‌ترین حالت فقط به بعد فنی موضوع توجه می‌نمایند و اصولاً یا عزم و اعتقادی در خصوص مطالعه مسائل اجتماعی مرتبط با طرح ندارند و یا با مشاهده اولین مقاومت و کم‌محلی بهره‌برداران، از مقوله مهم جلب مشارکت ایشان صرف‌نظر می‌نمایند ازاین‌رو پیشنهاد می‌گردد ادارات منابع طبیعی در کنار تقویت رویکرد توجیه‌پذیری اقتصادی طرح‌ها، جلب مشارکت بهره‌برداران را به‌عنوان یکی از شروط اولیه قرارداد با پیمانکاران لحاظ نموده و آن‌ها را مجاب نمایند تا با استفاده از ظرفیت رهبران محلی به برقراری ارتباط دوسویه با بهره‌برداران همت گمارند و اصولاً این اعتقاد را در پیمانکاران نهادینه نمایند که مشارکت در مرحله تهیه طرح به‌عنوان ضروری‌ترین و مهم‌ترین پیش‌نیاز موفقیت طرح‌های مرتع‌داری بوده و گریزی از آن نیست. بنا بر نتایج حاصله، محدودیت زمان فعالیت در محل اجرای پروژه‌ها (فصل کوتاه کاری) به‌دلیل ابلاغ دیرهنگام اعتبارات سالانه توسط دولت یا محدودیت‌های زمانی ناشی از هم‌زمانی اجرای برخی پروژه‌ها با فصل کاری بهره‌برداران (ازنظر بهره‌برداران فصل اجرای غالب پروژه‌های مرتع‌داری، مصادف با فصل اوج کارهای کشاورزی و دامداری بهره‌برداران بوده و معمولاً بهره‌برداران در انتخاب بین این دو موضوع، ترجیح می‌دهند وقت و انرژی خود را صرف امورات دامداری و کشاورزی شخصی نمایند) از موانع اقبال بهره‌برداران به مشارکت در برخی پروژه‌ها می‌شود. عدم اعتقاد یا تمایل دولت به جلب مشارکت بهره‌برداران در اجرای طرح‌ها، پیمانکار محوری فرآیند تهیه و اجرای طرح به‌جای بهره‌بردار محوری، عدم آموزش به پیمانکاران در خصوص چگونگی جذب بهره‌برداران به فرآیند تهیه و اجرای طرح‌ها، اولویت دادن به مسئولان، کارشناسان، پیمانکاران و ناظران و نه خانوارهای روستایی، غفلت از تقویت انگیزه و تعصب مالکیتی طرح در بین بهره‌برداران، عدم توجه به افراد ضعیف و محروم، غفلت از تشویق بهره‌برداران فعال (به‌منظور ایجاد انگیزه در سایر بهره‌برداران)، عدم پرداخت تسهیلات بانکی برای مشارکت در طرح و یا بی‌عدالتی در توزیع عادلانه خدمات و تسهیلات در بین روستاهای مختلف و حتی بین بهره‌برداران یک روستا نیز از موانع جلب مشارکت بهره‌برداران بوده که عمدتاً به نوع نگرش حاکمیتی ادارات منابع طبیعی در زمینه تهیه و اجرای طرح‌های مرتع‌داری برمی‌گردد، توضیح آنکه این ادارات، صرفاً بر مبنای وظایف حاکمیتی خود که همانا حفظ، اصلاح و توسعه مراتع است اقدام به طراحی و پیاده‌سازی طرح‌ها می‌نمایند و معمولاً از توجه به مسائل اقتصادی و اجتماعی بهره‌برداران، یا به‌طورکلی غافل مانده‌اند و یا به‌صورت ضعیف، مقطعی و موضعی آن‌هم در قالب تعهد اعطای نهاده یا تسهیلات ارزان‌قیمت، به آن پرداخته‌اند مضافاً بر اینکه گاها حتی به این تعهدات خود نیز عمل ننموده و بدین ترتیب به طرز شگفت‌انگیزی باعث بدبینی و عدم اطمینان بهره‌برداران و تضعیف همکاری‌های آتی آن‌ها با پیمانکاران و کارشناسان گردیده‌اند. از طرفی عدم آشنایی کافی ادارات منابع طبیعی به واقعیت‌های اجتماعات روستایی، فراهم نکردن امکان بازدید بهره‌برداران از پروژه‌ها و طرح‌های موفق قبلی ، عدم برگزاری نمایشگاه‌های آزاد در مورد منابع طبیعی و یا عدم برگزاری جلسات هم‌اندیشی و گردهمایی‌های مکرر با حضور بهره‌برداران نیز به‌عنوان دلایل مؤثر در ضعف و یا حتی نبود زمینه و انگیزه مشارکت بهره‌برداران عنوان‌شده است که با مطالعات (۱۸) درگذشته نیز همخوانی دارد. عدم تهیه و پخش برنامه‌های آموزشی (رادیویی و تلویزیونی) مرتبط با حفاظت، احیاء و توسعه مراتع و به‌تبع آن عدم یا ضعف آگاهی خانوارها و اجتماعات روستایی در خصوص اهمیت مراتع و نیز اهمیت و چگونگی مشارکت در مدیریت مراتع، عدم توانایی دولت در برقراری ارتباط سریع و صحیح با روستاییان به‌دلیل عدم شناسایی و حفظ افراد یا گروه‌های طرف مشورت محلی (جهت نظرخواهی در مسائل مراتع) و یا به‌دلیل بی‌توجهی به ظرفیت رهبران محلی و معتمدین روستایی در راستای تسهیل برقراری این ارتباط و یا حتی به‌دلیل عدم وجود دفاتر اطلاع‌رسانی محلی (مشابه مراکز

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

خدمات کشاورزی) و به‌تبع آن ضعف در اطلاع‌رسانی در خصوص ضرورت طرح‌ها (۱۸)، از نقاط ضعف ادارات منابع طبیعی در برقراری ارتباط سالم، مفید و مداوم با بهره‌برداران و جلب مشارکت آن‌ها بوده است که در مطالعات (۸ و ۱۳ و ۱۴ و ۲۲ و ۲۴) نیز به آن‌ها اشاره‌شده است. عدم مساعدت دولت در راستای ایجاد تشکل‌های مردمی، عدم نظارت صحیح و به‌موقع یا نظارت ضعیف بر طرح‌ها و پروژه‌های اجراشده، عدم مدیریت یا مدیریت نامطلوب چرا، عدم برخورد مناسب و سریع با متصرفین و متجاوزین مراتع، عدم ارزیابی میزان موفقیت طرح‌های قبلی یا حتی ارزیابی به‌دوراز چشم بهره‌برداران، عدم عمل به تعهدات در قبال بهره‌برداران و نهایتاً عدم‌حمایت دولت از مجریان و مراقبین طرح پس از اجرای طرح نیز، از موارد تضعیف یا حتی قطع تمایل بهره‌برداران به مشارکت بوده است که با نتایج مطالعات (۱۷) مطابقت دارد. ازاین‌رو پیشنهاد می‌گردد ادارات منابع طبیعی و آبخیزداری ۱) پروژه‌های مکانیکی را حتی‌المقدور در فصول غیر زراعی اجرا نمایند تا به‌دلیل عدم تداخل با کارهای کشاورزی و دامداری بهره‌برداران، مورد اقبال آن‌ها قرار گیرد و در خصوص پروژه‌های بیولوژیک به نحوی برنامه‌ریزی نمایند که به‌موازات کارهای کشاورزی بهره‌برداران و در خلال برنامه‌های شخصی آن‌ها اجرا شوند که در این خصوص می‌توانند پیشاپیش از خود بهره‌برداران در خصوص زمان و مکان پروژه‌ها نظرخواهی نمایند و با ترکیب نظر ایشان با سیاست‌های غیر سخت‌گیرانه دولتی، شاهد مشارکت حداکثری بهره‌برداران در اجرای پروژه‌ها باشند. ۲) در خصوص انتخاب نوع پروژه‌ها، ضمن انجام مطالعات عمیق و دقیق علمی و دانشگاهی، از دانش بومی بهره‌برداران نیز استفاده نمایند تا به‌دلیل انتخاب پروژه اشتباه، زمان نامناسب اجرا و یا مکان‌یابی اشتباه پروژه‌ها، شاهد دلسردی، ناامیدی و احیاناً مخالفت بهره‌برداران نباشند. ۳) تا حد امکان با پرهیز از اجرای پروژه‌ها در مناطق دور از دسترس، بحث سرکشی‌های مکرر آتی جهت حفاظت و مهم‌تر از آن ارزیابی میزان موفقیت پروژه‌ها را دچار موانع و چالش‌های جدی ننمایند. ۴) با توسعه سیستم‌های آموزش و ترویج روستایی به رفع موانع اطلاعاتی- ارتباطاتی همت گمارند. با اجرای برنامه‌های آموزشی- ترویجی رودررو و همچنین با پخش برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی، آگاهی بهره‌برداران در خصوص طرح‌های مرتع‌داری را ارتقا دهند. با شناسایی مصادیق و مواقع صحیح مشارکت بهره‌برداران در فرآیند برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی، قبل از هرگونه اقدام اجرایی با ایشان مشورت نمایند، نظرات کاربردی ایشان را مدنظر قرار دهند و نهایتاً دلایل طراحی و اجرای طرح‌ها را برای آن‌ها تبیین نمایند تا زمینه لازم برای مشارکت بیشتر، منسجم‌تر و پایدارتر فراهم گردد. ۵) محتوی برنامه‌های ترویجی و آموزشی را با رویکرد واقع‌گرایانه و به‌دوراز هرگونه آرمان‌گرایی و ایده‌آل جویی تهیه و تدوین نمایند و برطرف نمودن نیازهای بدیهی بهره‌برداران را به‌عنوان یکی از ملاک‌های اصلی تهیه طرح، مدنظر قرار دهند. ایجاد یا تقویت روحیه کار جمعی و ارتقای فرهنگ مشارکت، برقراری ارتباط مؤثر عوامل اجرایی با مردم، توجه ویژه به تقویت تشکل‌ها و تعاونی‌های غیردولتی موجود و حتی ایجاد تشکل‌های جدید، توجه به شوراها و سمن‌ها و مسائلی ازاین‌دست، مبتنی بر یک سری اقدامات اساسی با نگاه بلندمدت در دستور کار این ادارات قرار گیرد. در این راستا انجام فعالیت‌های تسهیلگری با رویکرد ظرفیت‌سازی جوامع روستایی با کمک گرفتن از دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و یا فراخوان انجام تحقیقات در این خصوص به‌عنوان یکی از راه‌کارهای مؤثر، پیشنهاد می‌شود.

مشارکت بهره‌برداران در طرح‌های مرتع‌داری قطعاً دارای پیامدهایی است که از آن جمله می‌توان به تقویت سرمایه‌های اجتماعی روستا (در قالب تقویت احساس مالکیت بهره‌برداران، تقویت مسئولیت اجتماعی و روحیه کار جمعی در بین بهره‌برداران، کاهش آسیب‌های روحی بهره‌برداران، حفظ و تقویت منابع معیشت بهره‌برداران، کاهش مهاجرت بهره‌برداران، افزایش اطلاعات بهره‌برداران در خصوص فعالیت‌های دولتی، آسان‌تر شدن انجام پروژه‌ها و فعالیت‌ها از طریق تشریک‌مساعی)؛ بهره‌برداری بهینه از منابع روستا (به‌دلیل کاهش رقابت بر سر چرای دام، حفاظت بیشتر از مراتع روستا، استفاده بهینه از امکانات مادی و غیرمادی روستا، استفاده بهینه از مرتع و محصولات مرتعی، افزایش راندمان تولید) و تقویت جایگاه دولت در روستا (به معنی حضور راحت‌تر، فعال‌تر و مفیدتر دولت در روستاها) اشاره نمود.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

References

1. Asakura, K., 2015. Theorizing pathways to resilience among LGBTQ youth: A grounded theory study. University of Toronto (Canada).165p
2. Bamkin, M., S. Mayanard & A. Goulding, 2016. Grounded theory and ethnography combined: A methodology to study children's interactions on children's mobile libraries. Journal of Documentation, 72(2): 214-231.
3. Bessette, G., 2006. People, land and water: participatory development communication for natural resource management, Routledge. International Development Research Centre. London 331p.
4. Coulibaly, P., L. Patrice. S. Mulualem. T. Per & C. Odena., 2011. Factors influencing people's participation in the forest management program in Burkina Faso, West Africa. Forest Policy and Economics 13(4): 292-302.
5. Cresswell, J.W., 2012. Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research. Educational Research. Fourth Edition. University of Nebraska–Lincoln. 673p.
6. Danaeifard, H & S.M. Emami, 2007. Qualitative research policies: Reflection on data foundation theorizing. Bi-Quarterly Journal of Management Thought, 1(2): 69-97. (In Persian).
7. Information base of the country's forests, rangelands and watershed management organization, 2019. https://frw.ir/02/Fa.
8. Jingling, L., L. Yuna. S. Livaa. C. Zhiguoa & Z. Baoqiang, 2010. Public participation in water resources management of Haihe river basin, China: the analysis and evaluation of status quo. Procedia Environmental Sciences 2: 1750-1758.
9. Kerse, B.L., 2016. Factors Affecting Local People Participation in Forest Managed for Carbon Sequestration: The Case of Mount Damota, Southern Ethiopia. Methodology. Developing Country Studies, 6: 56-65.
10. Kheerajit, C. & A.G. Flor, 2013. Participatory development communication for natural resources management in Ratchaburi Province, Thailand. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 103: 703-709.
11. Lee, J., 2001. A grounded theory: integration and internalization in ERP adoption and use. 164p. Presented to the Faculty of The Graduate at the University of Nebraska In Partial fulfillment of Requirements for the Degree of Doctor of Ohilosophy.
12. Lestari, S., K. Kotanib & M. Kakinakac, 2015. Enhancing voluntary participation in community collaborative forest management: A case of Central Java, Indonesia. Journal of environmental management 150: 299-309.
13. Lubell, M. N., B. B. Cutts. L. M. Roche & M. Hamilton, 2013. Conservation program participation and adaptive rangeland decision-making. Rangeland Ecology & Management 66(6): 609-620.
14. Mahmoudi, J, A. Roodgar & S.K. Mahdavi, 2018. Investigating the effective factors on the participation of exploiters in the implementation of rangeland management projects in Nemarstagh district of Larijan section of Amol city. Iranian Natural Ecosystems Quarterly, 9(1): 31: 103-118. (In Persian).
15. Maier, C., T. Lindner & G. Winkel, 2014. Stakeholders' perceptions of participation in forest policy: A case study from Baden-Württemberg. Land Use Policy 39: 166-176.
16. Markowski-Lindsay, M., T. Stevens. D.B. Kittredge. B.J. Butler. P. Catanzaro & B.J. Dickinson, 2011. Barriers to Massachusetts forest landowner participation in carbon markets. Ecological Economics 71: 180-190.
17. Moradi, E., G. Heshmati, F. Ghelishlee & S. Mirdeylami, 2015. Analyzing the success and failure of range management plans in golestan province. Rangeland, 9(3): 281-290. (In Persian).
18. Mousaei, M., I., Malek mohammadi, S. Farjolla hosayni & S. Mirdamadi, 2010. Effective factors for participation of stakeholders in watershed management project from the view point of natural resources and watershed management extension specialist, in Fars province, Iran. Journal of Crop ecophysiology (Agriculture Science), 4(14): 127-139. (In Persian).
19. Musyoki, J. K., J. Mugwe. K. Mutundu & M. Muchiri, 2016. Factors influencing level of participation of community forest associations in management forests in Kenya. Journal of Sustainable Forestry, 35(3): 205-216.
20. Peris, J., M. Acebillo-Baque & C. Calabuig, 2011. Scrutinizing the link between participatory governance and urban environment management. The experience in Arequipa during 2003–2006. Habitat international 35(1): 84-92.
21. Pinyopusarerka, K., T. T. HaTran & V. DienTran, 2014. Making community forest management work in northern Vietnam by pioneering participatory action. Land use policy 38: 257-263.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

22. Sajjadi, N., M.M. Esmaili, B. Behmanesh, M.R. Shahraki & F. Eskandari, 2014. Investigation of socio-economic factors affecting the participation of exploiters in the implementation of rangeland management projects in Sanandaj city. Journal of Range Management, 2(1): 35-51. (In Persian).
23. Strauss, A & J. Corbin, 1998. Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory, Sage Publications, Inc. 333p.
24. Tsikata, P. Y., 2010. The Cyber Dimension of Citizen Participation on Ghanaweb: An Analysis of Ghana's 2008 Presidential Campaign. A thesis presented to the faculty of the Scripps College of Communication of Ohio University. 147p.
25. Website of the General Department of Natural Resources and Watershed Management of Zanjan Province, 2019. https://zanjan.frw.ir/00/Fa. (In Persian).
26. Yamani, N., A. Nasr & A. Monajemi, 2008. The analysis of qive syudy data using software. Iranian Journal of Medical Education, 7(2): 423-436. (In Persian).
27. Zanjan Governor's Information Center, 2019. https://ostandari-zn.ir.
28. Javadi. S.A., H. Arzani, A. Salajege, M. Farahpour Gh. Zahedi, 2008. Determining the suitability of pasture for camel grazing using GIS. Journal of Rangeland, 2(1): 46-62. (In Persian).
29. Manoochehri, E., H. Bashari, M. Bassiri & M. Saeedfar, 2014. Evaluating the performance of six range condition assessment approaches in Semi-Steppe rangelands of Central Zagros. Journal of Rangeland, 7(4): 344-355.
30. Mesdaghi, M., 2015. Rang Management in Iran. Mashhad: Sajjad University of Technology Publications, 352p, (In Persian).
31. Mitchell, John E., 2010. Criteria and indicators of sustainable rangeland management. Laramie, WY: University of Wyoming Extension Publication No. SM-56. 227p.
32. Mofidi-Chelan, M. & H. Barani, 2015. Challenges of achieving sustainable development in the summer rangeland of Sahand. International Conference on Sustainable Development. (In Persian).
33. Motamedi, J. & S. Topchizadegan., 2014. Evaluating the feasibility of rangeland suitability classification guidelines for sheep grazing in the mountainous Hinduvan rangelands of West Azerbaijan. Journal of Rangeland, 8(2): 164-178.
34. Motamedi, J. & S. Tupchizadeghan., 2017. Assessing the range suitability rangeland's of Hendevan's for common use of sheep and goat. Journal of Rangeland, 11(1): 27-41.
35. Motamedi, J., H. Arzani, M. Jafari, M. Farahpour & M.A. Zare Chahoki, 2019. Presenting a model for estimating long-term grazing capacity of rangelands. Journal of Rangeland and Desert Research, 26(1): 241-259. (In Persian).
36. Nguyen, P.T., S. Wells & N. Nguyen, 2019. A systemic indicators framework for sustainable rural community development. Systemic Practice and Action Research, 32: 335- 352.
37. Nielsen, U.N., M. Tafford-Smith, G.I. Metternicht, A. Ash, A. Baumber, M.M. Boer, S.S Booth, D. Burnside, A.C. Churchill, M. El Hassan, M.H. Friedel, C.M. Godde, D. Kelly, M. Kelly, J.F. Leys, S.E. McDonald, Y.T. Maru, D.G. Phelps, M. Ridges, G. Simpson, B. Traill, B. Walker, C.M. Waters & A.W. Whyte, 2020. Challenges, solutions and research priorities for sustainable rangelands. The Rangeland Journal, 42(5): 359- 373.
38. Poorghorban, N., A. Ghorbani, M. Moameri, S., Ghafari, 2018. Introducing medicinal plants from the highlands of Hir and Neor in Ardabil Province. Journal of Tea and Herbal Brews, 1(1) 31-39.
39. Raofi Rad, V., Q. Heydari & S. Bagheri, 2015. Analysis of the relationship between production and area, number of livestock and number of rangeland users (Case study: Summer rangeland management plans in Isfahan province). Iranian Journal of Natural Ecosystems, 6(4): 57-68. (In Persian).
40. Reagain, P.J. & J.C. Scanlan, 2013. Sustainable management for rangelands in a variable climate: evidence and insights from northern Australia. Animal, 7(1): 68-78.
41. Refahi, M.R., 2007. Determination of Range suitability for sheep grazing using GIS in the semi-arid rangelands of Isfahan (Case study: Gharehaghach river watershed in Semirom). MSc Thesis, Islamic Azad University, Science & Research unit of Tehran.
42. Shams, H., 2001. Determination of range suitability using GIS. M.S thesis, University of Tehran, 102 p. (In Persian)
43. Sharifi, J. & Akbarzadeh, M., 2017. The effects of exclosure on vegetation changes and restoring indicator species of rangeland suitability in Ardabil province. Journal of Rangeland, 4(10): 376-386. (In Persian).
44. Sour, A., H. Arzani, B. Feizizadeh, A. Tavili & E. Alizadeh, 2013. GIS multi-criteria evolution for determination of rangelands suitability for goat grazing in the Middle Taleghan rangelands. International Journal of Agronomy and Plant Production, 4(7): 1499-1510.

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]

45. Sterling, E., P. Pascua, A. Sigouin, N. Gazit, L. Mandle, E. Betley, J. Aini, S. Albert, S. Caillon, J.E. Caselle, S.H. Cheng, J. Claudet, R. Dacks, E.S. Darling, C. Filardi, S. Jupiter, A. Mawyer, M. Mejia, K. Morishige, W. Nainoca & J. McCarter, 2020. Navigating multidimensional measures of sustainability and well-being across scales. Sustainability Science, 15(4): 1129-1147.
46. Zare Chahouki, M.A. & A. Sanaei, 2017. Analysis of the Environmental and Management Factors Affecting the Sustainability of Rangeland Ecosystems. Journal of Strategic Research in Agricultural Sciences and Natural Resources, 2(1): 45-58. (In Persian).

[Downloaded from rangelandsrm.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080891.1405.20.3.3.7]